

تحلیلی بر مفاهیم نمادین رنگ‌ها و اشکال ایزدان رع و حوروس در آثار هنری مصر تاکاها تا

چکیده

ایزدان در تمدن و هنر مصر بسیار با اهمیت هستند. ایزدان مصری، همانند ایزد رع (ایزد خورشید) و ایزد حوروس (ایزد آسمان) سرچشمه‌ای از طبیعت بودند. نمادها و سمبل‌ها کاربرد بسیاری در هنر مصر داشته‌است. هنر مصری، هنری نمادین و سمبلی است و هنرمندان مصری از این نمادها و سمبل‌ها در آثار هنری استفاده کرده‌اند. رنگ‌های مورد استفاده آن‌ها نیز نمادین بوده‌است و معنا و مفهومی داشته‌است. با توجه به جایگاه هر ایزد، هنرمندان مصری در تصویرسازی ظاهری این خدایان از رنگ‌ها، حیوانات و اشکال متفاوتی بهره گرفته‌اند. هنرمندان در تجسم ایزد رع و ایزد حوروس از بدنی انسانی، سر و صورت حیوانی (شاهین) استفاده کرده‌اند. جامعه‌آماری این پژوهش آثار هنری مصری است که ایزد رع و حوروس در آن‌ها ترسیم شده‌اند همچون نقاشی دیواری، نقش برجسته و استل یا سنگ نبشته در معبدها و مقبره‌ها. نگارنده با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از گردآوری اطلاعات به روش اسنادی بر آن است تا به پرسش این پژوهش پاسخ دهد که ارتباط میان مفهوم نمادین رنگ‌ها و اشکال ایزدان رع و حوروس در نقاشی و نقش برجسته‌های مصری با ویژگی‌ها و جایگاه اسطوره‌ای ایزدان مورد اشاره چگونه است. هدف این پژوهش، مطالعه تطبیقی ظاهری ایزد رع و حوروس در آثار هنری مصری است. ظاهر ایزد رع و حوروس در آثار هنری یکسان است ولی در شکل و رنگ تاج با هم تفاوت دارند. تاج ایزد رع دایره است و ماری به دور آن پیچیده‌است. تاج ایزد حوروس نشانگر پادشاهی‌اش بر تمام مصر علیا و مصر سفلی است که شکلی ترکیبی دارد.

فاطمه غفوری

کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

fatemeh.ghafoori68@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۱-۰۶-۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۷-۰۳-۱۴۰۲

1-DOI: 10.22051/PGR.2023.41564.1177

واژه‌های کلیدی: تمدن و هنر مصر، ایزد رع، ایزد حوروس، نماد و سمبل، رنگ.

مقدمه

هنر مصری، هنری نمادین است که ترکیبی از ابدیت‌گرایی، دین، جاودانگی و اعتقاد به دنیای پس از مرگ است. هنرمندان مصری همیشه جلوه‌های خوب زندگی را در آثارشان می‌نمایانند و برای زنده‌نمایی پیکره‌ها از رنگ بهره می‌گرفتند. آثار به‌جامانده این تمدن به سال‌های ۵۰۰۰ ق.م. تا ۳۰۰۰ ق.م. برمی‌گردد. تمدن مصر در دوره گذار (از شکار به کشاورزی) همانند دیگر تمدن‌ها که در کنار رودهای بزرگ تشکیل می‌شدند؛ در کنار رود نیل ایجاد شد. طبیعت برای مصریان بسیار اهمیت دارد و ایزدان آن‌ها از طبیعت سرچشمه گرفته‌است. ایزدان خورشید در اقوام و ملل گوناگون همانند مصر اهمیت ویژه‌ای دارند. در تمدن مصر، ایزدان بسیاری وجود داشته‌است که هر کدام جایگاهی داشتند؛ همانند: ایزد رع^۱ (ایزد خورشید)، آنوبیس^۲ (ایزد مرگ، مردگان و تدفین)، حوروس^۳ (ایزد آسمان)، اوزیریس^۴ (ایزد جهان زیرزمینی)، بس^۵ (ایزد زناشویی)، خپری^۶ (ایزد دگرگونی‌های حیات)، ست^۷ (ایزد هرج و مرج) و موارد مشابه. هنرمندان مصری در تصویرسازی ایزدان، با توجه به جایگاه آن‌ها از رنگ‌ها، حیوانات و شکل‌های متفاوت و گوناگونی استفاده کرده‌اند. این رنگ‌ها، حیوانات و شکل‌ها هر کدام نماد و سمبلی در فرهنگ مصری دارند. حیوانات چهره‌های نمادین هنر مصر بوده‌اند. از تصویر این ایزدان در معماری، زیورآلات، مجسمه‌سازی، نقاشی دیواری، نقش برجسته، سنگ نبشته و مواردی از این قبیل استفاده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش، نقاشی دیواری و نقش برجسته‌های در مقبره‌ها، گورهای دخمه‌ای، معابد و استل‌ها^۸ است. نگارنده با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از گردآوری اطلاعات به روش اسنادی بر آن است تا به پرسش این پژوهش پاسخ دهد که ارتباط میان مفهوم نمادین رنگ‌ها و اشکال ایزدان رع و حوروس در نقاشی و نقش برجسته‌های مصری با ویژگی‌ها و جایگاه اسطوره‌ای ایزدان مذکور چگونه است. هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی ظاهری ایزد رع و حوروس در آثار هنری مصری است. هنرمندان مصری از شش رنگ، سبز، آبی، قرمز، زرد، سفید و سیاه بهره می‌برده‌اند. با توجه به جامعه آماری، پرسش اصلی و هدف پژوهش حاضر، در این پژوهش بیشتر به بررسی رنگ آبی، زرد، قرمز و سفید پرداخته شده‌است. افزون بر آن، به بررسی مفاهیم نمادین حیوان، طبیعت و شکل‌ها پرداخته‌است.

پیشینه پژوهش

مه‌دا فروغی و شهره جوادی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با نام «بررسی مفاهیم نمادین رنگ در هنر نقاشی مصر باستان و منشأ آن‌ها در طبیعت پیرامون» که در نشریه باغ نظر به چاپ رسیده‌است، با پژوهش حاضر ارتباط و نزدیکی بیشتری دارد. آن‌ها در این مقاله تنها به بررسی مفاهیم نمادین رنگ در هنر نقاشی مصر باستان و ریشه‌یابی این مفاهیم پرداخته‌اند و ایزدان رع، آنوبیس، سخمت، اوزیریس و هپی مورد بررسی قرار گرفته‌است. این در حالی است که در پژوهش حاضر مفهوم نمادین رنگ‌ها و اشکال به‌کاررفته در تصویرسازی ایزد رع و حوروس در نقاشی دیواری، نقش برجسته و سنگ‌نبشته بررسی خواهد شد. پیشینه‌هایی با جنبه‌های مختلفی توانسته با این موضوع مرتبط باشد و در راستای این پژوهش است و در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. حسین زراعتی (۱۳۹۴) استاد راهنمای کاترین چرخیان در پایان‌نامه کارشناسی ارشد نقاشی با عنوان «مطالعه نقوش نمادین خورشید در دنیای باستانی» به بررسی این نقش نمادین در تمدن‌های باستانی پرداخته‌است. در کتاب‌های اساطیر مصر ایونس (۱۳۷۵)، اسطوره بیان نمادین اسماعیل پور (۱۳۸۷)، دانشنامه اساطیر جهان وارنر (۱۳۹۲) و تاریخ اساطیری ایران آموزگار (۱۳۸۸)؛ تعریفی از ایزدان رع، حوروس و اسطوره ارائه کرده‌اند. شیدا حسامی و سید نظام الدین امامی فر (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با نام «مطالعه نشانه‌شناختی تصویری در پوسته‌های دهه اخیر با تأکید بر بن‌مایه‌های نگارگری ایران»، به بررسی نماد در نقوش و تصاویر که ریشه در فرهنگ دارد و همچنین به مفاهیم میان صورت و معنا پرداخته‌اند. این پژوهش با توجه به پیشینه آن می‌کوشد تا به بررسی ارتباط میان مفهوم نمادین رنگ‌ها و اشکال ایزدان رع و حوروس در نقاشی و نقش برجسته‌های مصری با ویژگی‌ها و جایگاه اسطوره‌ای ایزدان مورد اشاره بپردازد. هدف این پژوهش، مطالعه تطبیقی ظاهری ایزد رع و حوروس در آثار هنری مصری است.

روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش اسنادی بر آن است به پرسش و هدف این پژوهش پاسخ دهد، تا با بررسی جامعه آماری این پژوهش اشتراک و افتراق ظاهری و مفهومی و نمادین این دو ایزد مشخص شود. داده‌های این پژوهش کیفی است. جامعه آماری این پژوهش آثار هنری مصری (نقاشی دیواری، نقش برجسته و سنگ‌نبشته) است. نمونه‌گیری این پژوهش به صورت هدفمند و با گزینش آثاری است که در آن‌ها تصویرسازی رنگی

دینی و افکار هنری مصر در همان نخستین قرون آن ایجاد شد. آثار مکشوفه از هنر مصر فرآورده کاوش مقابر است؛ زیرا محور تفکرات در چنین تمدنی مرگ و نیاپرستی است که میراثی از گذشتگان است (URL10). دو عنصر طبیعی (رود نیل و خورشید) در مصر بسیار با اهمیت بوده است؛ به این صورت که از این دو عنصر، دو مضمون اصلی در دین مصر باستان سرچشمه گرفته شده است (وارنر، ۱۳۹۲: ۱۶۵). منظور از مصر باستان بخش حاصل خیز دره نیل است که حاصل خیزی آن از طغیان‌های سالانه نیل پدید می‌آید. نیل و زمین‌های حاصل خیز اطراف آن در مصر باستان عاملی برای وحدت بود. طول نیل تقریباً ۶۴۰ کیلومتر و مردمان بسیاری در کناره‌های این رود، به‌ویژه در منطقه دلتا و جایی که رود به شاخه‌های بسیاری تقسیم می‌شد، زندگی می‌کرده‌اند. هر یک از این جوامع باورهای خاص و خدایان بومی داشتند (ایونس، ۱۳۷۵: ۹). صفت‌های آشکار هنر (نقاشی) مصر؛ شامل آمیزه‌هایی از دین، کاهنی، ابدیت‌گرایی، ایستایی و هنر در خدمت جاودانگی است. آثار به‌جا مانده این تمدن مربوط به سال‌های ۵۰۰۰ ق.م. تا ۳۰۰۰ ق.م. است. مشخصه‌های مهم در نقاشی‌های مصری هماهنگی، نظم در جزئیات و ریزه‌کاری‌ها، سر و بازو از پهلو، تنه و چشمان از روبه‌رو (اصل تقابل) است. نگاه همه‌جانبه در کار نیست و سرخ و نمای پشت، کم مشاهده می‌شود (URL18).

نقاشی و برجسته‌کاری

نوعی مجسمه که روی سطحی دو بُعدی تراشیده یا چسبانده می‌شود (شمخانی، ۱۳۹۶: ۱۶۹). نقش‌های گوناگونی که در دوره‌های مختلف مصر ایجاد شده است؛ شامل انسان، حیوان، گیاه، خط، نقوش هندسی و موارد مشابه است ولی با بررسی موضوع آن‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که همه آن‌ها در خدمت به فرعون و خدای فرعون بوده‌اند.

سرها به صورت نیم‌رخ، چشم‌ها و بالاتنه با دید روبه‌رو، بازوان و پاها با دید پهلو ترسیم می‌شد و بر اساس مقام افراد، پیکرها کوچک یا بزرگ ترسیم می‌شده است. نقش‌ها روی دیوارها، ستون‌ها، در و پیکر بنا نشان داده شده و هم روی الواح، صفحه‌های سنگی یا گلی مستقل و هم پارچه، کاغذ، چوب و دیگر امکانات که در اختیار آن‌ها قرار داشت. هنر مصر به‌نوعی در جست‌وجوی زندگی بهتر و عملکردی زیباتر است. این هنر تضمینی بر باورهای فراعنه و مردم است. مصریان نقش‌های برجسته خود را رنگ می‌کردند. نیم‌رخ بودن چهره، پیکره، چشم و مواردی از این قبیل نوعی ترکیب‌بندی ویژه‌ای را به بدن می‌دهد که در نوع خود از تکنیک‌های مهم مصریان

ایزد رع و حوروس انجام شده است. نخست با روش توصیفی، به تعریف اسطوره، تمدن مصر، هنر مصر و مفاهیم نمادین می‌پردازد و سپس به تحلیل مفاهیم نمادین رنگی و اشکال به‌کاررفته در تصویرسازی ایزد رع و حوروس در آثار هنری مصری پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و یافته‌ها اسطوره

در بین اندیشمندان آرای متفاوتی در پیوند ب معنای اسطوره وجود دارد. به برخی از این آراء اشاره می‌شود: آگوستین قدیس در پاسخ به این پرسش که «اسطوره چیست» بیان کرده است: «خیلی ساده است؛ به شرط آنکه از من نپرسید! هر گاه خواستم درباره اسطوره توضیح بدهم، عاجز ماندم!» (اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۱۳). اسطوره، نخستین شکل علم است: فرضیه‌پردازی درباره اینکه جهان چگونه به وجود آمده است (بیرلین، ۱۳۸۶: ۹). اسطوره با واژه «Historia» به معنای «روایت و تاریخ» از یک ریشه است؛ در یونانی، «Mythos» به معنای «شرح، خبر و قصه» آمده که با واژه انگلیسی «Mouth» به معنای «دهان، بیان و روایت» هم‌ریشه است (اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۱۲). اسطوره‌ها منشورهای را در مورد رفتار اخلاقی و دینی به دست می‌دهند و عقاید را بیان و تدوین می‌کنند و سرچشمه‌های قدرت ماورای طبیعی هستند (هینلز، ۱۳۶۸: ۲۴).

اسطوره عبارت است از روایت یا جلوه‌ای نمادین درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات ماورای طبیعی و به طور کلی جهان‌شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می‌بندد؛ اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی رخ داده و به‌گونه‌ای نمادین، تخیلی و وهم‌انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده است؛ هستی دارد یا از میان خواهد رفت و در نهایت اسطوره به‌شیوه تمثیلی کاوشگر هستی است (اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۳). در فهم عامه و فرهنگ‌ها، اسطوره معنی «آن‌چه خیال و غیر واقعی است و جنبه افسانه‌ای محض دارد» یافته است؛ ولی اسطوره را باید داستان و سرگذشتی «میثوی» بدانیم که معمولا اصل آن مشخص نیست و شرح عمل و پدیده‌ای طبیعی است به‌صورت فراسویی که کمی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده است و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی جدانشدنی دارد (آموزگار، ۱۳۸۸: ۳).

تمدن و هنر مصر

همه تمدن‌ها در دنیای باستان به دلیل دوره گذار (از شکار به کشاورزی) در کنار رودهای بزرگ شکل گرفته‌اند و تمدن مصر هم در کنار رود نیل پدید آمده است. انگاره اصلی تأسیسات اجتماعی، عقاید

از خدا، که حامی در نوع خود است ساخته شده‌است (URL10).

ایزد رع

«رع»، واژه‌ای برای خورشید و نامی برای ایزد خورشید است (هارت، ۱۳۷۴: ۱۶) که به معنای آفریننده است (ویو، ۱۳۸۱: ۲۴). این ایزد نخستین پادشاه مصر و آفریننده جهان به شمار می‌آید (هوک، ۱۳۸۱: ۸۴). خدای خورشید، مهم‌ترین خدای مصریان، نام‌های بسیاری داشت. خورشید در اوج آسمان، رع نام داشت (ایونس، ۱۳۷۵: ۳۳). وی را نخستین فرعون دانسته‌اند (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۹، ج اول: ۳۸۰). بدن ایزد رع تا شانزده‌هائش، انسانی است ولی از آن به بالا سر یک قوچ و قرص خورشید دارد. وی عصای اقتدار را حمل می‌کند (هارت، ۱۳۷۴: ۷۲).

تجلی قدرت آفتاب، رع خدای بزرگ خالق هلیوپولیس است. به‌عنوان مظهر هر خدای خورشیدی است، رع بر آسمان، زمین و دنیای جهان پادشاهی می‌کرد (Remler, 2000: 18). رع همچون شاهینی خورشیدی با دایره‌ای به نماد خورشید بر سرش ترسیم می‌شود. او یک عنخ و چندین نماد قدرت عصا و خرمن‌کوب و عصای «واس» دارد (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۱۳۹). خورشید به‌واسطه نور، بزرگی و فایده، همیشه نزد اقوام هند و اروپایی و سامی مورد احترام بوده‌است و حتی در مصر قدیم، خداوند خورشید (معبد خورشید) پرستش می‌شده‌است (یاحق، ۱۳۸۶: ۳۳۸). بررسی تاریخ ادیان نشان می‌دهد که در دوران کهن «خورشیدپرستی» کیش همه اقوام بوده‌است. مناسبات میان خورشید و تاریکی، عالم اموات یعنی خورشید-مار در تفکر و هنر مصری نیز مشاهده می‌شود. این نماد به شکل قرص خورشید است که افعی برگرد آن پیچیده‌است (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۲۵). این نماد بر بالای سر ایزد رع در آثار هنری مصری به کار رفته‌است.

ایزد حوروس

حوروس واژه لاتین مشتق از هور «Hor» مصری به معنای چهره و نامی است که پرستش‌کنندگان شاهین خدا و نخستین مهاجمان دره نیل خدای خود را به این نام می‌شناختند (ایونس، ۱۳۷۵: ۱۰۵). حوروس پروردگار آسمان و نمادی از پادشاهی الهی در مصر باستان که یکی از مهم‌ترین خدایان مصر است. نخستین ثبت یک اتفاق تاریخی، در جشن اتحاد مصرعلیا و سفلی بود (Remler, 2000: 94). حوروس با نماد شاهین مجسم می‌شد و تنها خدایی بود که در آغاز با باروری و آفرینش پیوستگی نداشت. در ابتدا خدای مردمان شکارچی و یا خدای جنگ بود (ایونس،

به شمار می‌آید (URL15). از ویژگی‌های نقاشی و برجسته‌کاری مصری، توصیفی بودن آن است این دو هنر در یک رده هستند؛ زیرا نقش برجسته مصری، نوعی طراحی حک شده‌است و مفهوم سه بُعدی ندارد و مسطح است (URL11).

ایزدان مصر

خدایان مصری از ترکیب دو فرهنگ قدیمی‌تر شکل گرفته‌اند. یکی از آن‌ها خدایان را در شکل انسانی می‌پرستید؛ در صورتی که فرهنگ دیگر، خدایانی را به شکل حیوان داشته‌اند. کم‌کم دینی ظهور کرد که به آئین و آداب مردگان اهمیت می‌داد و به نمادپردازی بسیار توجه می‌کرد. خدایان مصری تقریباً همیشه نمادهای قدرت همچون تاج، عصا و خرمنکوب می‌پوشیدند یا حمل می‌کردند. برخی هم عنخ را حمل می‌کردند (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۱۳۸).

ستاره شناسان مصری همه با طبیعت (با آسمان، زمین، باد، خورشید، ماه و ستارگان) پیوند داشتند (ایونس، ۱۳۷۵: ۳۳). ایزدان مصری مشتمل بر نون، آتوم، رع، خپری، شو، گب، نوت، اوزیریس، ایزیس، ست، نفتیس، آنوبیس، حوروس و مانند آن هستند ولی نگارنده در این پژوهش به بررسی و تطبیق ظاهری و مفهومی ایزد رع و حوروس می‌پردازد.

کهن‌ترین خدایان قبیله‌ای شاید «فتیش»^۱‌هایی بودند که با زندگی کوچ‌نشینان شکارچی یا مردمان جنگجو پیوند داشتند. بسیاری از این قبیله‌ها در دوره پیش از تاریخ زندگی می‌کردند؛ خدایان و اساطیر آن‌ها با خدایان بومی و زندگی کشاورزی و زمین، آب، باران و آسمان ارتباط داشت. رایج‌ترین فتیش قبیله‌ای در این دوره شاهین بود که بلندپروازی آن به زودی نماد آسمان شد. قدرتمندترین این شاهین خدایان حوروس خدای قبایلی بود که احتمالاً از لیبی به مصر کوچ کردند و بر قسمت‌های بزرگی از مصر علیا و سفلی چیرگی یافتند. نیایشگران حوروس با آنکه خورشید را قدرتی ویرانگر می‌دانستند؛ در سرزمین‌های جدید با سکونت و پرداختن به کشاورزی با خورشید خدا و خدای دیگری آشنا شدند که رع نام داشت. رع خدایی بود که شاید نیایش آن از جزایر مدیترانه یا قفقاز به مصر انتقال یافته بود و کوچ‌کنندگان جدید به تدریج با این خدا نیز آشنا شدند و به‌گونه‌ای صلح‌آمیز به قدرت او گردن نهادند (ایونس، ۱۳۷۵: ۱۴).

اسطوره مصر دارای ویژگی‌های است که آن‌ها را از اسطوره‌های مردم دیگر متمایز می‌کند. نخست اینکه، آن فرقه از مرده و زندگی پس از مرگ، و الوهیت از حیوانات است. با گذشت زمان، اساطیر مصر بسته به خواسته‌های خاندان حاکم را تغییر داد. فرعون در فرقه

جدول ۱: نقش ایزد رع در آثار هنری مصر (منبع: نگارنده، ۱۳۹۹)

 <p>تصویر ۴: نقاشی ایزد مصری رع و ایزدبانو ماعت (URL9)</p>	 <p>تصویر ۳: چوب نقاشی شده، از دوره میانی سوم، احتمالاً تبس ۱۱ (تب)، سلسله ۲۲-۵۲ (URL17)</p>	 <p>تصویر ۲: مقبره سن نجام، دیر ال مدینه، محصولات نیل و آبیاری بعد از زندگی (URL21)</p>	 <p>تصویر ۱: استل یا سنگ نبشته یک کشیش را به تصویر می کشد و به ایزد رع هدیه می دهد (URL8)</p>
 <p>تصویر ۷: تبس (تب) در مصر، دره اشرافیان (دورا ابو النجاء)، مقبره روی، پرستش رع - هورختی و هاتور (URL14)</p>	 <p>تصویر ۶: پاپیروس مصری، حدود ۱۰۵۰-۱۰۰۰ ق.م، هنرمند: نامعلوم، متهم حقیقت را قبل از ایزد رع و الهه‌ها می پوشاند (URL13)</p>	 <p>تصویر ۵: نقاشی دیواری در مقبره سینجین، رامسس دوم، شمال مصر (URL12)</p>	

باستان، موقعیتی بسیار مهم داشت. بزرگ‌ترین پرستشگاه‌های مصری در ادفو به وی تعلق داشت. او را به شکل شاهین یا قوش اصیل، درنده‌ترین و ترسناک‌ترین پرندگان شکاری که در آسمان مصر پرواز می‌کند؛ ترسیم کرده‌اند (وارنر، ۱۳۹۲: ۱۷۲). نامش به معنای «شخص بسیار بالا» است (هارت، ۱۳۷۴: ۳۷). در بسیاری از نقش‌های اساطیری خود، حوروس هم به‌عنوان شاهین و هم به‌عنوان مرد با سر شاهین به ترسیم می‌شود ولی او اغلب به شکل انسان‌شناسی خود با بدن یک مرد تجسم می‌یابد (Remler, 2000: 95).

تحلیل ویژگی‌های ظاهری ایزد رع و ایزد حوروس

در تصویرسازی ظاهری ایزد رع و حوروس در آثار هنری مصر از رنگ‌ها و شکل‌هایی استفاده کرده‌اند که هر کدام از آن‌ها معنایی دارند و نمادین هستند. رع، ایزد خورشید است. او تاجی دایره‌شکل به رنگ قرمز بر سر دارد. پیرامون این دایره، ماری زرد رنگ است. موی خدایان خورشید در معبد‌ها که به‌صورت بت نمایش داده می‌شود؛ از لاجورد و به رنگ آبی است (هارت، ۱۳۷۴: ۵۸ - ۵۹).

۱۳۷۵: ۲۵). شاهین یکی از اساطیر مصر باستان بود. شاهین به‌عنوان نگهبان به شمار می‌رفت. علت ارتباط ایزد حوروس با شاهین این است که او خود را خدای آسمان و جنگ می‌دانست (URL16). از ایزدان بزرگ پس از رع، اوزیریس و آمون که در سراسر کشور آن‌ها را مورد ستایش قرار می‌دادند. حوروس و ایزیس بیش از بقیه شهرت داشتند. حوروس ایزدی با شخصیتی پیچیده که به شکل‌های ویژه‌ای، پایگاه یک ایزد ملی را به دست آورد. جنبه خورشیدی‌اش همانند رع-هورختی، به این نام با رع، ایزد خورشید ارتباط داشت؛ از نظر اهمیت با او یکسان بود ولی خصوصیت پیچیده‌ای داشت؛ به‌ویژه از آن رو که این دو جنبه در یک ایزد واحد با هم یکی شدند. در اساطیر اوزیریس، حوروس فرزند اوزیریس است. او انتقام پدر را می‌گیرد و سپس تخت و تاج را به ارث می‌برد (وارنر، ۱۳۹۲: ۱۶۷). حوروس نمایان‌گر ارتباط با شاهین است و به‌صورت شاهین تجسم می‌یابد. حوروس «رب آسمان» است. چشم حوروس (ادجت^۱) به‌عنوان دعا و چشم زخمی برای دور کردن شیطان به کار می‌رود (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۱۳۹).

حوروس در مقام ایزد سلطنتی و مقام ملی مصر

جدول ۲: نقش ایزد حوروس در آثار هنری مصر (منبع: نگارنده، ۱۳۹۹)

 <p>تصویر ۱۰: نقاشی و نقش برجسته‌هایی در معبد مصری (URL7)</p>	 <p>تصویر ۹: ایزد رع - هورختی با نفرتیتی همسر همسر بزرگ رامسس دوم، در داخل مقبره نفرتیتی، در دره پادشاهان مصر، حدود ۵۵۲۱ ق.م (URL3)</p>	 <p>تصویر ۸: نقاشی دیواری گور دخمه‌ای بهاریای مصر (URL4)</p>
 <p>تصویر ۱۳: جزییات چاه‌ها در مقبره هورمحب، ایزدان آیزیریس، آنوبیس و حوروس (URL2)</p>	 <p>تصویر ۱۲: نقش برجسته حوروس در معبد ستی اول در آبدوس (URL20)</p>	 <p>تصویر ۱۱: مصر، لوکسور، مقبره سن‌ندجم، نقاشی دیواری به نمایندگی از یک شوهر با همسرش (URL19)</p>

است. برای درک آن باید نمادهای به تصویر کشیده شده را در قالب واژه‌ها و کلام تبدیل کرد که قابل هضم شود، ولی انسان اساطیری نیازی به ترجمه این معانی و رموز نداشت چون رمز و راز این نگاره‌های اسطوره‌ای را از نیاکان فرا گرفته بود. تصویرهای اساطیری در آیین‌ها، آداب و مناسک نشان داده می‌شد (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۳۰). در هنر و نقش‌های مصر هر علامت و نقش معنای نمادین و باورهای مذهبی دارد. ترکیب این نقش‌ها در کنار هم یک حکایت مذهبی و حماسه دینی است، برای نمونه، عقاب نماد سلطنت و بلندپروازی، دایره نماد خدای خورشید، عصا علامت سلطنت، کلید نشان زندگی، شیر نماد قدرت و مار نماد قانون برتر فرعون است (URL15).

طبیعت

آلن اولیول^{۱۳} در کتاب شکایت از طبیعت، طبیعت را مانند یک چهره تمثیلی که تاجی جواهر نشان به تقلید از ستارگان بر روی سر دارد؛ چنین توصیف می‌کند: «دوازده سنگ قیمتی نمادی از صور فلکی و هفت

در تمدن مصری، حوروس ایزد آسمان است. تاج او که نشانه پادشاهی، بر تمام مصر علیا و مصر سفلی است؛ شکلی ترکیبی دارد. رنگ بدنه اصلی این تاج، سفید است و قسمت حلزونی شکل قرمز رنگی دارد. آبی برای موی خدایان مصری استفاده می‌شد (URL6). در نقش برجسته و نقاشی دیواری‌های مصری برای رنگ بدن این ایزد از دو رنگ قرمز و آبی بهره گرفته شده است. سر و صورت این ایزدان، شاهین است و بدن آن‌ها انسانی است. مفهوم نمادین رنگ‌ها و شکل‌های ایزدهای مورد اشاره در جدول‌های (۳) و (۴) آمده است.

مفاهیم نمادین

بنا بر سازش بیشتر نویسندگان، آغاز اندیشه نمادین به پیش از تاریخ یا بخش پایانی دوران پارینه سنگی بر می‌گردد (سرلو، ۱۳۸۸: ۱۸). از دیگر نمادهای اساطیر، گونه تصویری و منقوش آن است؛ اسطوره همیشه به شکل حکایت و روایت نیست بلکه می‌تواند به صورت نقش و نگار تبدیل شود. بیان تصویری، بیان نمادین

جدول ۳: ویژگی‌های ظاهری و مفهومی ایزد رع در آثار هنری مصر (منبع: نگارنده، ۱۳۹۹)

ایزد	ویژگی ظاهری	ویژگی مفهومی	جایگاه اسطوره‌ای
<p>رع Ra</p>  <p>بخشی از تصویر ۳ (ULL17)</p> <p>بخشی از تصویر ۴ (URL9)</p>	<p>– رنگ پوست: قرمز و آبی</p> <p>– رنگ مو: آبی</p> <p>– حیوان سر و صورت: شاهین</p> <p>– شکل و رنگ تاج: دایره قرمز</p> <p>– حیوان و رنگ تاج: مار زرد</p>	<p>– قرمز: خورشید، پیروزی و قدرت</p> <p>– آبی: نماد آسمان، ملکوتی</p> <p>– سنگ آبی رنگ لاجورد که موی ایزدان مصری از این سنگ ساخته شده است</p> <p>– قدرت، زندگی ابدی و نماد آسمان، خورشید و نقش او در خلقت جهان</p> <p>– دایره: وحدت، ابدیت</p> <p>– قرمز: خورشید و قدرت</p> <p>– مار: قدرت</p> <p>– زرد: خورشید، جاودانگی، ابدیت، طلا</p>	<p>– جایگاه خورشید</p> <p>– این خدای مصری با سرشاهین و تاج دایره‌گونه قرمز (قرص خورشید) و ماری زرد رنگ به دور تاج که بیشتر در نقاشی دیواری و نقش برجسته دیده می‌شود.</p> <p>– این ایزد معبدی در کرنک دارد.</p>

جدول ۴: ویژگی‌های ظاهری و مفهومی ایزد حوروس در آثار هنری مصر (منبع: نگارنده، ۱۳۹۹)

ایزد	ویژگی ظاهری	ویژگی مفهومی	جایگاه اسطوره‌ای
<p>حوروس Horus</p>  <p>بخشی از تصویر ۱۱ (URL19)</p> <p>تصویر ۱۴ (URL5)</p>	<p>– رنگ پوست: قرمز</p> <p>– رنگ مو: آبی</p> <p>– حیوان سر و صورت: شاهین</p> <p>– شکل و رنگ تاج: تاج سفید با مثلث رو به پایین و حلزونی قرمز</p>	<p>– خورشید، پیروزی و قدرت</p> <p>– موی خدایان از سنگ آبی رنگ لاجورد است به همین علت موهای خدایان را به رنگ آبی می‌کشیدند.</p> <p>– قدرت، زندگی ابدی، آسمان و خورشید</p> <p>– سفید: نمادی از زندگی مجدد</p> <p>– مثلث رو به پایین: آب</p> <p>– حلزونی: نیروهای قدرتمند</p> <p>– قرمز: پیروزی و قدرت</p>	<p>– خدای آسمان</p> <p>– این خدای مصری معمولاً به صورت انسانی با سر شاهین به تصویر کشیده می‌شود. گاهی به صورت خود پرندۀ شاهین</p> <p>– تاجی بر سر دارد که نشانه پادشاهی بر تمام مصر علیا و مصر سفلی است.</p> <p>– این ایزد معبدی در ادفو دارد. تصویرسازی این ایزد بیشتر در نقاشی دیواری، نقش برجسته و مجسمه است.</p>

سنگ عبارت از: خورشید، ماه و پنج ستاره» (سرلو، ۱۳۸۹: ۵۵۵).

خورشید

بیشتر فرهنگ‌ها برای مدتی، خورشید را همانند قدرت کیهانی والا می‌پرستیدند. یعنی نیروی حیاتی که سبب رشد همه چیز می‌شود. خورشید به‌عنوان گرما، نماد نیروی حیات، میل نفسانی و نیروی جوانی است و به‌عنوان منبع نور، بیان‌کننده روشنگری و همچنین نشانه سلطنت و امپراطوری است. در برخی سنت‌ها، خورشید پدر جهانی است که نمادی از طلوع و غروب خورشید، نماد تولد، مرگ و رستاخیز است (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۱۶). در مصر، خورشید، چشم رع به شمار می‌آید (سرلو، ۱۳۸۹: ۳۶۹). نماد آفرینندگی، قانون طبیعت، آتش، دانایی، تدبیر، روشنگری، عقل، دانش معنوی، گذر زمان و پدر (معمولاً ماه و زمین نماد مادر و مادینگی هستند و خورشید پدر است ولی در برخی جوامع مخالف این است) (اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۲۰).

حیوانات

حیوانات به دلیل آنکه ظاهر، حرکت و رنگ گوناگون دارند؛ بیشترین اهمیت را در دانش نمادپردازی دارند. ریشه این نمادها با توت‌پرستی و پرستش حیوانات در ارتباط است (سرلو، ۱۳۸۹: ۳۵۰).

مار

در مصر باستان، مار کبری نشان‌دهنده عقل الهی و پادشاهی بود (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۶۷). از همان روزگاران آغازین، به پرستش خورشید پیوسته بود. احتمالاً با پوست‌اندازی دوره‌ای خود مانند خورشید حیات دوباره می‌یافت؛ بدان جهت نماد مرگ و زایش دوباره است (هال، ۱۳۸۷: ۹۳). مار نماد اصلی زمین به شمار می‌آید. مار بزرگ آمون بزرگ‌ترین مار منطقه مدیترانه انگاشته می‌شده که از آب‌های آغازین سر بر می‌آورده و کائنات را در بر می‌گیرد که چون با چشمان باز می‌خوابد نماد هوشیاری دانایی و فرزاندگی و به باور برخی، مظهر روان فرعون در گذشته بوده است که همواره در آرامگاهش است (URL18).

عقاب یا شاهین

عقاب یا شاهین، نماد قدرت است. عقاب با نمادپردازی آسمانی و خورشیدی مرتبط است (سرلو، ۱۳۸۹: ۵۷۴). اندازه جسمانی، توانایی و اقتدار عقاب، این پرنده را تجلی اقتدار می‌کند. در صورتی که دید قوی، سرعت، مهارت در شکار و توانایی‌اش برای به‌آسانی چرخ زدن در

آسمان‌ها، همگی ارتباطات نمادینی را نشان می‌دهند. اغلب عقاب با افعی، گاو نر یا شیر همراه می‌شود که به‌صورت نمادینی با پیروزی معنوی پیوند دارد. از دید مصریان باستان، عقاب نماد زندگی ابدی است (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۶۳). این پرنده با دیگر پرنده‌های بلندپرواز، با خدایان خورشید ارتباط دارد. حوروس خدای مصری به‌شکل شاهین، یکی از قدیمی‌ترین خدایان حیوان شکل است. رع، خورشید-خدا، که گاهی با حوروس یکی پنداشته می‌شود؛ سر شاهین با قرص خورشید دارد (هال، ۱۳۸۷: ۶۰).

شکل‌ها (اشکال)

گفته ۱۴ در ارتباط با شکل بیان می‌کند که «آن‌چه درون است»؛ یعنی صورت ذهنی؛ «بیرون هم هست»؛ یعنی شکل. واژه‌های مربوط به اشکال، ساختار و سازمان، نه تنها به زبان زیست‌شناسی (اشکال)، که افزون بر آن با روان‌شناسی (اندیشه و صور ذهنی) نیز ارتباط دارد (سرلو، ۱۳۸۹: ۵۲۴ - ۵۲۵).

دایره

دایره نشانه خورشید (همان: ۳۸۴) و تمامیت، وحدت و ابدیت است؛ مرکزش آغازی است که همه چیز از آن سرچشمه می‌گیرد و به آن بر می‌گردد. هر نقطه خود در نهایت دایره‌ای است (اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۲۲). دایره نمادی معمول برای خداوند است. بیشتر ادیان، آن را با کره آسمانی، حرکات ستارگان و سیاره‌ها یکسان می‌پندارند. نمایانگر چرخه‌های زندگی است (تصویر ۴) (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۲۸۴).

حلزونی

این شکل نمادی از مذکر و مبدأ زندگی است (سرلو، ۱۳۸۹: ۳۴۲). این شکل با نیروهای قدرتمندی همچون گردش زمین، گردبادها و گرداب‌ها مرتبط است. نمادی قدیمی از انرژی، نیرو و بازتابی از زندگی است (تصویر ۱۱) (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۲۸۵).

سه‌گوش

نمادپردازی سه‌گوش با عدد سه ارتباط دارد (سرلو، ۱۳۸۹: ۶۹۶). در برخی از فرهنگ‌ها از بابلی‌ها و مصریان باستان تا مسیحیان جدید و هندوان، سه‌گوش با سه خداوند مرتبط است (تصویر ۱۱) (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۲۸۶).

رنگ‌ها

از زمان‌های بسیار دور، رنگ‌ها همواره در اطراف و پیرامون انسان‌ها بودند و بر روی انسان تأثیر

به عنوان رنگ آسمان، نمادی از نامحدودی و الهی است (اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۲۲). آبی برای موی خدایان مصری استفاده می‌شد (URL6).

رنگ زرد

نام مصر باستان این رنگ (khenet) است (URL6). تردیدی در مورد اینکه مردم مصر رنگ زرد را از رنگ قرمز جدا می‌دانستند؛ وجود دارد. در صورتی که واژه‌های برای این رنگ ندارند و همچنین بیابان، طلا و خورشید را قرمز می‌دانستند. مصریان باستان، بر این باور بودند که پوست و استخوان خدایان از طلا ساخته شده‌است. از این رو مجسمه‌های خدایان و ماسک مومیای‌ها اغلب از طلا ساخته می‌شدند یا با طلا آبرکاری می‌شدند. برجسته‌ترین عناصری که در نقاشی‌های مصر باستان، زرد رنگ ترسیم می‌شدند؛ استخوان خدایان مومیایی شده‌است. همچنین زمینه بسیاری از نقاشی‌ها به‌ویژه آن‌هایی که به زندگی پس از مرگ ارتباط دارد با این رنگ کشیده شده‌است که به معنای کیفیت فناپذیری دنیای بعد از مرگ است؛ چرا که از نگاه مردم دنیای پس از مرگ برای جاویدان بودن، نسبت به این جهان برتری دارد. از میان عناصر طبیعت، خورشید و طلا، هر دو به رنگ زرد بوده است و دارای ویژگی‌های فناپذیری و جاودانگی هستند (فروغی و جواد، ۱۳۹۶: ۷۰). با طلا، درخشندگی و روشن‌شدگی خورشید مرتبط است (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۲۸۱). زرد از چارچوبی که در آن قرار دارد؛ پیش می‌رود همانند اشعه خورشید که از آبی آسمان گذر می‌کند و قدرت ایزدی را نمایش می‌دهد. این رنگ، رنگ مذکر و ایزدان است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲، ج سوم: ۴۴۸). زرد نمادی از زندگی و گرما است (لوشر، ۱۳۸۹: ۹۱). زرد نمادی از زندگی و گرما است (لوشر، ۱۳۸۹: ۹۱).

رنگ سفید

نام مصر باستان این رنگ (hedj)، نمادی از خلوص، تقدس، سادگی و پاکیزگی است. از دیگر کاربردهای نمادین این رنگ که در نقاشی‌ها بسیار دیده می‌شود می‌توان موارد زیر را نام برد: صندل سفید برای کیشیان، ابزارها، اشیا و حیوانات مقدس است (URL6). سفید رنگ مبارک و شادی به شمار می‌آید (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲، ج سوم: ۳۴۸). این رنگ، رنگ ایزدی است (همان: ۵۹۵).

نتیجه‌گیری

در هر فرهنگ و تمدنی رنگ، شکل‌ها، طبیعت، حیوان و مانند آن دارای نماد و سمبل‌هایی هستند که ریشه در گذشته آن تمدن دارد. برای درک این نمادها و سمبل‌ها

می‌گذاشتند (لوشر، ۱۳۸۹: ۱۷). رنگ از مهم‌ترین ابزار و وسیله برای بیان در آثار هنری است (شمخانی، ۱۳۹۶: ۳۰). مردم در هر فرهنگی و اغلب بدون توجه به فرهنگشان، با حساسیت به رنگ‌ها واکنش نشان می‌دهند (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۲۸۰). در تاریخ، رنگ با خدایان ترکیب شده‌است. زندگی مصریان پُر از نمادهای رنگی است (ویلز، ۱۳۹۰: ۸۴). در فرهنگ مصری، ارزش نمادین رنگ‌ها به آثار هنری آن‌ها وارد شده‌است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲، ج سوم: ۳۴۸). مصریان از ۶ رنگ اصلی (قرمز، زرد، آبی، سبز، سیاه و سفید) استفاده می‌کردند از هم‌پوشانی این رنگ‌ها، رنگ سایه‌های گوناگونی ایجاد می‌شود (URL18). مصریان بر این باور بودند که رنگ نه تنها برای زیبایی اثر بلکه برای معنای درک‌شده آن به کار گرفته می‌شود؛ همچنین آن‌ها باور داشتند که برخی رنگ‌ها فقط نمادین نیستند بلکه قدرت یا ویژگی خاصی دارند که به خدایان گوناگون مربوط می‌شود (URL1). در این پژوهش با توجه به جامعه آماری به بررسی رنگ قرمز، آبی، زرد و سفید پرداخته می‌شود.

رنگ قرمز

نام باستانی این رنگ «deshr» است که در درجه اول رنگ صحرا و هرج و مرج است. از طریق ارتباط آن با صحرا، رنگ خدایی و ایزدی است. این رنگ، قوی‌ترین رنگ در مصر باستان است و از این رو رنگ زندگی و حفاظت به شمار می‌آید (URL6). این رنگ نمادی از زندگی، قدرت و نشاط است (ویلز، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در زبان عمومی مصر باستان، قرمز به معنای خشونت، قدرت و پیروزی است. بر بالای سر قرص خورشید به رنگ قرمز خودنمایی می‌کند. مصریان بر این باور بودند که چشم رع از سنگ عقیق قرمز ساخته شده‌است (فروغی و جواد، ۱۳۹۶: ۶۹). نماد خون، فداکاری، آشوب، خورشید، آتش و سلطنت به شمار می‌آید (اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۲۲). رنگ قرمز برای رنگ‌آمیزی پوست مردان به کار برده می‌شد (URL1). خورشید در زندگی مصریان بسیار مهم بوده‌است.

رنگ آبی

نام مصری باستان این رنگ (irtyu) است (URL6). رنگ آبی نمادی از آسمان آبی است (سرلو، ۱۳۸۹: ۴۳۵). ژرفای رنگ آبی، وقار و بزرگی ماورای زمینی است. مصریان این رنگ را رنگ حقیقت می‌پنداشتند؛ حقیقت، مرگ و خدایان با هم یکی هستند (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹، ج اول: ۴۴). رنگ آبی نماد حکمت عالم، صلح، آشتی، آرامش است و با حقیقت ارتباط دارد. احساسات دینی، امنیت و پاکی معنوی آبی

رنگ‌ها و شکل‌هایی با معانی ویژه‌ای استفاده کرده‌اند. تاج دایره شکل او نمادی از خورشید و رنگ قرمز آن نمادی از قدرت است. بر روی این تاج، ماری زردرنگ قرار دارد که مار نمادی از قدرت و رنگ زرد نمادی از خورشید، جاودانگی به شمار می‌آید. در نقش برجسته و نقاشی دیواری‌های مصری برای رنگ بدن این ایزد از دو رنگ بهره گرفته شده‌است؛ گاه آبی که نمادی از آسمان و جایگاه او و گاه قرمز که نمادی از پیروزی

باید به مفهوم آن‌ها در هر فرهنگ و تمدنی دست یافت. هنر و فرهنگ مصری هم دارای نماد و سمبل است. پژوهش حاضر با بررسی ویژگی ظاهری ایزدان رع و حوروس به ارتباط میان مفهوم نمادین رنگ‌ها و اشکال این ایزدان در نقاشی و نقش برجسته‌های مصری با ویژگی‌ها و جایگاه اسطوره‌ای ایزدان مورد اشاره دست یافته‌است. در تصویرسازی ظاهری ایزد رع، خدای خورشید از

جدول ۵: وجوه اشتراک و افتراق ظاهری، مفهومی و اسطوره‌ای ایزد رع و حوروس در آثار هنری مصر (منبع: نگارنده، ۱۳۹۹)

اشتراکات و افتراقات ظاهری								
ایزد	جنسیت	رنگ بدن	رنگ مو	شکل سر و صورت	شکل تاج	رنگ تاج	حیوان تاج	جایگاه اسطوره‌ای
رع 	مرد	آبی و قرمز	آبی	شاهین 	دایره 	قرمز	مار زرد	خدای آفتاب
حوروس 	مرد	قرمز	آبی	شاهین 	— بدنه اصلی — مثلث رو به پایین — حلزونی 	سفید قرمز قرمز	---	خدای آسمان
مفهوم و نماد	---	— قرمز: قدرت، خورشید، پیروزی — آبی: آسمان، ملکوتی	— سنگ آبی رنگ لاجورد که موی ایزدان مصری از این سنگ ساخته شده است	— قدرت، زندگی ابدی، خورشید	— دایره: وحدت، ابدیت — مثلث رو به پایین: آب — حلزونی: نیروهای قدرتمند	— سفید: نمادی از زندگی مجدد — قرمز: خورشید و قدرت	— مار: قدرت — زرد: طلا، خورشید، جاودانگی، ابدیت	---

- 4 Osiris
 5 Beth
 6 Khepri
 7 Set
 8 Stele
 ۹ Ankh، عنخ، علامتی هیروگلیفی مصری برای زندگی که به احتمال زیاد در ابتدا، نشانه تسمه کفش سرپایی بوده است. این نماد دلالت بر زندگی جاودانی و ابدیت دارد و زمانی که در مقابل بینی فرعون متوفی قرار داده می‌شد؛ به وی جاودانگی داده می‌شد (هال، ۱۳۸۷: ۱۲ - ۱۳).
 ۹ Fetis واژه‌ای پرتغالی است که نخست اب. تاپلر آن را در کتاب فرهنگ ابتدایی به کار برد و مراد از فتیش چیزی است که روحی در آن تجسم یافته و بدان وابسته باشد یا از طریق نفوذ جادویی خود را منتقل کند.
 ۱۰ Thebes مرکز کیش آمون - رع

- 11 Udjet
 12 Alan Of Lille نویسنده سده دوازدهم م.
 13 Goethe

و قدرت است. سر و صورت این ایزد، به شکل شاهین که نمادی از قدرت، آسمان و خورشید است. در تمدن مصری، حوروس ایزد آسمان به شمار می‌آید. رنگ‌ها و شکل‌های به کاررفته در تصویرسازی ظاهری این ایزد، هر یک معنای خاصی را بیان می‌کنند. تاج او نشانگر پادشاهی‌اش بر تمام مصر علیا و مصر سفلی است که شکلی ترکیبی دارد. بدنه اصلی این تاج، به رنگ سفید که نمادی از زندگی دوباره است؛ مثلث رو به پایین تاج به معنای آب و رنگ قرمز آن، نماد پیروزی و قدرت است؛ شکل حلزونی بالای تاج نماد نیروهای قدرتمند به رنگ قرمز است. این ایزد با بدنی قرمز رنگ نمادی از قدرت و پیروزی است. سر و صورت حوروس، ایزد تمام آسمان به شکل شاهین است؛ این پرنده معنایی از قدرت و آسمان دارد.

پی‌نوشت

- 1 Ra (Re)
 2 Anubis
 3 Horus

منابع

- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۸۷). *اسطوره، بیان نمادین* (چاپ دوم)، تهران: سروش.
- ایونس، ورونیکا (۱۳۷۵). *اساطیر مصر* (چاپ اول)، ترجمه باجلان فرخی (م - ح)، تهران: اساطیر.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۸). *تاریخ اساطیری ایران* (چاپ یازدهم)، تهران: سمت.
- بوروس میتفورد، میراندا (۱۳۹۴). *دایرةالمعارف مصور نمادها و نشانه‌ها*، ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیرپور، تهران: سایان.
- بیرلین، جی. اف (۱۳۸۶). *اسطوره‌های موازی* (چاپ اول)، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- حسامی، شیدا و سید نظام الدین امامی فر (۱۳۹۷)، «مطالعه نشانه‌شناختی تصویری در پوست‌های دهه اخیر با تأکید بر بن‌مایه‌های نگارگری ایرانی»، *گرافیک و نقاشی*، ۲ (۲)، ۴۳-۵۲.
- زراعتی، حسین (۱۳۹۴). *مطالعه نقوش نمادین خورشید در دنیای باستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته نقاشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- سرلو، خوان ادواردو (۱۳۸۹). *فرهنگ نمادها*، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران: دستان.
- شمخانی، محمد (۱۳۹۶). *فرهنگ نامه هنر: مروری بر مهم‌ترین مبانی، مفاهیم، اصطلاحات و اطلاعات هنرهای دیداری، شنیداری و نمایشی*، تهران: طلایی.
- شوالیه، ژان؛ گربران، آلن (۱۳۷۹). *فرهنگ نمادها: اساطیر، رویاها، رسوم، ایماء و اشاره، اشکال و قوالب، چهره‌ها، رنگ‌ها، اعداد*، ترجمه سودابه فضایی، جلد اول، تهران: جیحون.
- شوالیه، ژان و آلن گربران (۱۳۸۲). *فرهنگ نمادها: اساطیر، رویاها، رسوم، ایماء و اشاره، اشکال و قوالب، چهره‌ها، رنگ‌ها، اعداد*، ترجمه سودابه فضایی، جلد سوم، تهران: جیحون.
- فروغی، مه‌دا؛ جوادی، شهره (۱۳۹۶). «بررسی مفاهیم نمادین رنگ در هنر نقاشی مصر باستان و منشأ آن‌ها در طبیعت پیرامون»، *باغ نظر*، ۱۴ (۵۳)، ۶۵-۷۴.
- لوشر، ماکس (۱۳۸۹). *روانشناسی رنگ‌ها*، ترجمه ویدا ابی زاده، تهران: درسا.
- وارنر، رگس (۱۳۹۲). *دانشنامه اساطیر جهان*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: هیرمند.
- ویلز، پولین (۱۳۹۰). *رنگ درمانی*، ترجمه مرجان فرجی، تهران: درسا.
- ویو، ژ (۱۳۸۱). *اساطیر مصر*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: کاروان.
- هارت، جرج (۱۳۷۴). *اسطوره‌های مصری*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- هال، جیمز (۱۳۸۷). *فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب* (چاپ سوم)، ترجمه رقیه بهزادی،

- تهران: فرهنگ معاصر.
- هوک، ساموئل هنری (۱۳۸۱). *اساطیر خاورمیانه*، ترجمه علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
 - هینلز، جان راسل (۱۳۶۸). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، بابل و تهران: کتابسرای بابل و چشمه.
 - یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی* (چاپ اول)، تهران: فرهنگ معاصر.
 - الیاده، میرچا (۱۳۷۲). *رساله در تاریخ ادیان* (چاپ اول)، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.

References

- Amoozgar, J. (2009). *Mythological History of Iran*, (11nd ed), Tehran: SAMT, (Text in Persian).
- Bierlein, J. F., (2007). *Parallel Myths*, Translated by Abbas Mokhber, Tehran: Markaz, (Text in Persian).
- Bruce-Mitford, M., (2015). *The Illustrated Book of Signs and Symbols*, Translated by Masoomeh Ansari & Habib Bashirpoor, Tehran: Sayan, (Text in Persian).
- Chevalier, J., Gheerbrant, A. (2000). *Dictionnaire des Symboles: Mythes, Reves, Coutumes, Gestes, Formes, Figures, Couleurs, Nombres*, Vol. 1, Translated by Sodabeh Fazaili, Tehran: Jeyhon, (Text in Persian).
- Chevalier, J., Gheerbrant, A. (2003). *Dictionnaire des Symboles: Mythes, Reves, Coutumes, Gestes, Formes, Figures, Couleurs, Nombres*, Vol. 3, Translated by Sodabeh Fazaili, Tehran: Jeyhoon, (Text in Persian).
- Cirlot, J. E. (2009). *A Dictionary of Symbols*, Translated By Mehrangiz Ohadi, Tehran: Dastan, (Text in Persian).
- Eliade, M. (1993). *Traite R>histoire des Religions*, Translated by Jallal Sattari, Tehran: Soroush, (Text in Persian).
- Esmailpour, A. (2008). *Myths: The Symbolic Expressions*, (2nd ed), Tehran: Soroush, (Text in Persian).
- Foroughi, M., Javadi, Sh. (2017). «Examining the symbolic meaning of colors in ancient Egyptian painting art and their Origin in Environment», *Bagh-e Nazar*, 14 (53), 65-74, (Text in Persian).
- Hall, J., (2008). *Illustrated Dictionary of Symbols in Eastern and Western Art*, (3rd ed), Translated by Roghayeh Behzadi, Tehran: Farhang Moaaser, (Text in Persian).
- Hart, G., (1995). *Egyptian Myths*, Translated by Abbas Mokhber, Tehran: Markaz, (Text in Persian).
- Hessami, S., Emami Far, S. (2019). «A semiotic study of pictorial art on posters of the last decade, with an emphasis on». *Painting Graphic Research*, 2 (2), 43-52. doi: 10.22051/pgr.2019.22919.1014, (Text in Persian)
- Hinnells, J. R., (1989). *Persian Mythology*, Translated by Jale Amoozgar and Ahmad Tatazoli, Tehran: Ketabsaraye Babol & Cheshmeh, (Text in Persian).
- Hooke, S. H., (2002). *Middle Eastern Mythology*, Translated by Ali Asghar Bahrami and Farangis Madapoor, Tehran: Roshangaan & Motaleaat Zanan, (Text in Persian).
- Ions, V. (1996). *Egyptian Mythology*, Translated by Bajalan Farokhi (M H), Tehran: Asatir, (Text in Persian).
- Luscher, M., (2010). *Psychologie der Farben*, Translated by Vida Ebi Zadeh, Tehran: Dorsa, (Text in Persian).
- Shamkhani, M. (2017). *Dictionary of Art*, Tehran: Tallaei, (Text in Persian).
- Vieu, J. (2002). *The Myths of Egypt*, Translated by Abolghasem Esmailpour, Tehran: Karvan, (Text in Persian).
- Warner, R. (2013). *Encyclopedia of World Mythology*, Translated by Abolghasem Esmailpour, Tehran: Hirmand, (Text in Persian).
- Wills, P. (2011). *Colour Therapy: The Use of Colour for Healing*, (8nd ed), Translated by Marjan Faraji, Tehran: Dorsa, (Text in Persian).
- Yahaghi, M. J. (2007). *Culture of Myths and Stories in Persian Literature*, Tehran: Farhang Moaaser, (Text in Persian).
- Zeraati, H. (2015). *Investigation of the symbolic motifs of the sun in the ancient world*, Master Thesis, Painting, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Central Tehran Branch (Text in Persian).

URLs

- URL1: <https://rizy.ir/zUNnqS17/1/1399>
URL2: https://rizy.ir/BgTc_17/1/1399
URL3: https://rizy.ir/ILNLNt_16/1/1399
URL4: https://rizy.ir/IW7pdRn_17/1/1399
URL5: https://rizy.ir/teagWbw_16/1/1399
URL6: : https://rizy.ir/GjxhCM_21/4/1399
URL7: <https://www.alamy.com/stock-photo-paintings-cartouches-and-reliefs-in-egyptian-tomb-113820257.html>
URL8: <https://rizy.ir/36IzCl16/1/1399>
URL9: https://rizy.ir/TNVTjKP_16/1/1399
URL10: https://rizy.ir/TNVTjKP_16/1/1399
URL11: https://rizy.ir/f1qspni_16/1/1399
URL12: https://rizy.ir/0YuDKf_17/1/1399
URL13: https://rizy.ir/MuG8B_16/1/1399
URL14: <http://www.artnevis.com/wp-content/uploads/2020/02/%D9%85%D8%B5%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-4.pdf>
URL15: https://rizy.ir/CktO_3/3/1402
URL16: [https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Horus_Temple_of_Seti_I_\(3500450346\).jpg](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Horus_Temple_of_Seti_I_(3500450346).jpg)
URL17: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:La_Tombe_de_Horemheb_cropped.jpg
URL18: https://rizy.ir/95WQ_16/1/1399
URL19: <https://fa.eferrit.com/%D8%B1%D9%86%DA%AF-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%B5%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86/>
URL20: <https://www.kanoon.ir/Article/288645>
URL21: <https://tarikhema.org/ancient//38541/5-animals-regarded-gods-ancient-egypt/>

An Analysis of the Symbolic Meanings of the Colours and Shapes of the Gods Ra and Horus in Egyptian Works of Art

Abstract:

Gods are very important in ancient Egyptian civilization and art. Egyptian gods, like the god Ra (god of the sun) and the god Horus (god of the sky), were sources from nature. Symbols have been used a lot in Egyptian art. Egyptian art is symbolic and symbolic art, and Egyptian artists have used these symbols in their works of art. The colours used by them were also symbolic and had meaning. According to the position of each deity, Egyptian artists have used different colours, animals and shapes in the appearance of these deities. Artists have used a human body, animal head and face (falcon) in the representation of god Ra and god Horus. The statistical population of this research is the Egyptian works of art in which the gods Ra and Horus are depicted; such as: mural, relief and stelae or inscribed stones in temples and tombs. The author tries to answer the question of this research with the descriptive-analytical research method and by collecting information with a library method, which is the relationship between the symbolic concept of the colours and forms of the gods Ra and Horus in Egyptian paintings and reliefs with their characteristics and positions. What is the mythology of the mentioned gods? The purpose of this research is to study the appearance of Ra and Horus in Egyptian works of art. Egyptian art is a symbolic art that is a combination of eternalism, religion, immortality and belief in the afterlife. Egyptian artists always reflected the good aspects of life in their works and used colour to bring the figures to life. The remains of this civilization date back to 5000 BC. until 3000 BC. Egyptian civilization in the transition period (from hunting to agriculture) like other civilizations that were formed by the big rivers, It was created by the Nile River. Na-



Fatemeh Ghafoori

MA., Department of Art Research, Faculty of Arts, Alzahra University, Tehran, Iran.

fatemeh.ghafoori68@gmail.com

Date Received: 2022-09-02

Date Accepted: 2023-06-17

1-DOI: 10.22051/PGR.2023.41564.1177

ture is very important for Egyptians and their gods originated from nature. The gods of the sun have special importance in different tribes and nations such as Egypt. In the Egyptian civilization, there have been many gods, each of which had a place; Like: god Ra (god of the sun), Anubis (god of death, dead and burial), Horus (god of the sky), Osiris (god of the underworld), Bes (god of marriage), Khepri (god of life changes), Set, also known as Seth and Sutekh, (god of chaos) and, etc. . Egyptian artists have used different and diverse colours, animals and shapes in depicting the gods, according to their positions. These colours, animals and shapes each have a symbol in Egyptian culture. Animals have been symbolic figures in Egyptian art. The images of these gods are used in architecture, ornaments, sculptures, murals, reliefs, inscribed stones, etc. The statistical population of this research is murals and reliefs in tombs, catacombs, temples and stelae. Egyptian artists used six colours, green, blue, red, yellow, white and black. According to the statistical population, the main question and the purpose of the current research; in this research, blue, yellow, red and white colours have been investigated more. In addition, it has investigated the symbolic concepts of animals, nature and shapes. The present research tries to answer the question and purpose of this research with the descriptive-analytical method and collecting information in a library method, so that by examining the statistical population of this research, the apparent, conceptual and symbolic similarities and differences of these two deities can be determined. The data of this research is qualitative. The statistical population of this research is Egyptian works of art (murals, reliefs and stone inscriptions). The sampling of this research is purposeful and by selecting the works in which there is a colour depiction of the gods Ra and Horus. First, with the descriptive method;

It defines the myth, Egyptian civilization, Egyptian art and symbolic concepts, and then analyses the symbolic concepts of colours and shapes used in the depiction of God Ra and Horus in Egyptian works of art.

In every culture and civilization, colours, shapes, nature, animals. have symbols that are rooted in the past of that civilization. In Egyptian art and motifs, every sign and pattern has a symbolic meaning and religious beliefs. The combination of these motifs together is a religious story and a religious epic, for example, the eagle is a symbol of royalty and ambition, the circle is the symbol of the sun god, the scepter is the symbol of royalty, the key is the symbol of life, the lion is the symbol of power, and the snake is the symbol of Pharaoh's supreme law.

According to the agreement of most authors, the beginning of symbolic thought goes back to prehistory or the last part of the Paleolithic era. Another manifestation of mythology is its pictorial form; Myths are not always in the form of stories and narratives, but can be transformed into carvings. Pictorial expression is symbolic expression. In order to understand it, the depicted symbols must be translated into words so that they can be digested, but the mythological man did not need to translate these meanings and codes because he had learned the mystery of these mythological images from his ancestors. Mythological images were shown in rituals, and customs. Since ancient times, colours have always been around humans and had an impact on humans. Colour is one of the most important tools and means of expression in works of art. People in every culture and often regardless of their culture, react sensitively to colours. In history, colour has been associated with gods. Egyptian life is full of colourful symbols. In the Egyptian culture, the symbolic value of colours entered into

their works of art. The Egyptians used 6 main colours (red, yellow, blue, green, black and white). By overlapping these colours, various shades of colour are created. Egyptians believed that colour is used not only for the beauty of the work but also for its perceived meaning. Also, they believed that some colours are not only symbolic, but have special powers or characteristics that relate to different gods.

In order to understand these symbols, one must understand their meaning in every culture and civilization. Egyptian art and culture also have symbols. By examining the appearance characteristics of the gods Ra and Horus, the present research has achieved the connection between the symbolic concept of the colours and shapes of these gods in Egyptian paintings and reliefs with the characteristics and mythological status of them. Colours and shapes with special meanings have been used in visual depiction of god Ra, the sun god. His circular crown is a symbol of the sun and its red colour is a symbol of power. On this crown, there is a yellow snake, which is a symbol of power and the yellow colour is a symbol of the sun, immortality. In Egyptian reliefs and murals, two colours are used for the body colour of this god; Sometimes blue is a symbol of the sky and its place, and sometimes red is a symbol of victory and power. The head and face of this god is in the form of a falcon, which is a symbol of power, sky and sun. In Egyptian civilization, Horus is considered the god of the sky. The colours and shapes used in the appearance of this deity express a special meaning. His crown represents his kingdom over all of Upper Egypt and Lower Egypt, which has a hybrid shape. The main body of this crown is white, which is a symbol of renewed life; The downward triangle of the crown means water and its red colour is a symbol of victory and power; The spiral shape above the crown symbolizes powerful forces

in red. This god with a red body is a symbol of power and victory. The head and face of Horus, the god of the whole sky, is in the form of a falcon. This bird has a meaning of power and sky.

Keywords: Egyptian Civilization and Art, God Ra, God Horus, Symbol, Colour.